

میزان اجرای روش‌ها و فنون تدریس قواعد در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی از نظر استادان و دانشجویان

عیسی متقی‌زاده^{۱*}، نورالدین پروین^۲، دانش محمدی رکعتی^۳، سجاد اسماعیلی^۴

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۹۱/۵/۲۷

دریافت: ۹۱/۳/۳۰

چکیده

آموزش قواعد در تمامی زبان‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های متخصصان آموزش زبان مطرح است؛ در زبان عربی به دلیل ویژگی‌های خاص ساختاری و دستوری، قواعد و آموزش آن‌ها از دیرباز مورد توجه مدرسان و متخصصان بوده است. در ایران نیز از قدیم آموزش قواعد زبان عربی از مهم‌ترین بخش‌های آموزش این زبان بوده است، به طوری که بسیاری از بزرگان و مؤلفان کتاب‌های قواعد صرفی و نحوی در زبان عربی، ایرانی هستند. امروزه یکی از مهم‌ترین بخش‌های چالش‌برانگیز حوزه آموزش زبان عربی در ایران، آموزش قواعد آن است. در رشته زبان و ادبیات عربی با اینکه بیست واحد درسی در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی به درس نحو اختصاص داده شده است، به نظر می‌رسد که دانشجویان در مرحله کاربردی قواعد عربی دچار ضعف‌های فراوانی هستند؛ زیرا سال‌ها است که قواعد با روش‌های قدیمی تدریس می‌شوند و بسیاری از استادان از فنون جدید و مناسب تدریس قواعد استفاده نمی‌کنند.

در این پژوهش می‌کوشیم با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه، به بررسی روش‌های تدریس و میزان اجرای فنون مناسب تدریس قواعد عربی در دانشگاه‌ها بپردازیم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در تدریس قواعد، بیشتر از روش سنتی قیاسی استفاده می‌شود و به فنون جدید تدریس، همچون استفاده از تکنولوژی و فن مشارکتی توجه چندانی نمی‌شود.

واژگان کلیدی: آموزش عربی، روش‌های تدریس، فنون تدریس، قواعد عربی.

۱. مقدمه

آموزش قواعد عربی از گذشته تاکنون مورد توجه ویژه ایرانیان بوده است؛ وجود بزرگانی همچون سیبویه که از بنیانگذاران قواعد بودند، دلیل خوبی برای اثبات این ادعا است. این مسئله فقط به زمان‌های گذشته ختم نمی‌شود، زیرا قواعد عربی پس از انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از دروس تخصصی و الزامی گروه زبان و ادبیات عربی، با تعداد بیست واحد درس اختصاصی و الزامی، بخش اعظم دروس این رشته را به خود اختصاص داده است.

با نگاهی عمیق به آموزش قواعد عربی در دانشگاه‌های ایران، به نظر می‌رسد مشکلاتی همچون قدیمی بودن روش‌های تدریس و نبود کتاب درسی مناسب، باعث عدم تحقق اهداف این درس و کم‌رغبتی دانشجویان به این درس شده است؛ بنابراین برای تحقق کامل اهداف این درس و ایجاد رغبت دانشجویان به قواعد عربی، لازم است استادان از روش‌ها و فنون مناسب تدریس استفاده کنند.

در این مقاله تلاش می‌کنیم از یک‌سو در ادبیات نظری خود با بهره‌گیری از نظریات نوین آموزش عربی و انگلیسی، روش‌ها و فنون نوین تدریس قواعد عربی را در اختیار استادان و دانشجویان قرار دهیم و از سوی دیگر به سنجش میزان اجرای این روش‌ها و فنون توسط استادان در برخی دانشگاه‌ها بپردازیم.

برای رسیدن به این هدف سه سؤال اصلی مطرح شده است:

۱. از نظر دانشجویان و استادان کدام یک از روش‌های تدریس قواعد پرکاربردتر است؟
 ۲. از نظر دانشجویان، استادان تا چه حد از فنون مناسب تدریس قواعد استفاده می‌کنند؟
 ۳. از نظر استادان، آنان تا چه حد از فنون مناسب تدریس قواعد استفاده کرده‌اند؟
- فرضیات مطرح‌شده برای این سؤالات عبارت‌اند از:

۱. از نظر دانشجویان روش قیاسی در سطح بالا و روش‌های استقرایی و متن‌محور در سطح پایین اجرا می‌شوند.
 ۲. از نظر دانشجویان، استادان فنون مربوط به دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای، کاربردی کردن و تدریس مشارکتی را در سطح بالا و فن استفاده از تکنولوژی را در سطح پایین اجرا می‌کنند.
 ۳. استادان مانند دانشجویان به فرضیه دوم معتقد هستند.
- در این تحقیق از روش پیمایش برای به‌دست آوردن اطلاعات و دیدگاه‌ها استفاده

کرده‌ایم. در روش تحقیق پیمایشی، از طریق پرسشنامه یا مصاحبه درمورد آنچه هست به مشاهده می‌پردازیم. روش پیمایش روشی است که در آن از گروه‌های معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص پاسخ دهند. این پاسخ‌ها مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می‌دهند (عبدالأمیر، ۲۰۰۷: ۴۸).

جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان ترم پنجم به بعد مقطع کارشناسی و استادان آنان در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، شهید بهشتی و تربیت معلم بود.

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه است که برای دو گروه دانشجویان و استادان تدارک دیده شده است. هر دو پرسشنامه، مشابه و دارای پنج متغیر هستند که به ترتیب عبارت‌اند از:

۱. استفاده استادان از روش‌های تدریس برای یادگیری قواعد؛
 ۲. استفاده استادان از فنون مناسب برای دادن اطلاعات پیش زمینه‌ای؛
 ۳. استفاده استادان از فنون مناسب برای کاربردی کردن قواعد؛
 ۴. استفاده استادان از فنون مناسب برای مشارکتی کردن تدریس قواعد؛
 ۵. استفاده استادان از فنون مناسب برای به‌کارگیری تکنولوژی در تدریس قواعد.
- در پرسشنامه از طیف «لیکرت» استفاده کرده‌ایم؛ به طوری که عدد ۱ نشان‌دهنده ارزش خیلی کم و عدد ۵ نشان‌دهنده ارزش زیاد بوده است. در توصیف داده‌ها برای سهولت امر از سطح استفاده کردیم؛ بدین صورت که سطح خیلی کم و کم را با عدد ۱، سطح متوسط را با عدد ۲ و سطح زیاد و خیلی زیاد را با عدد ۳ نشان دادیم.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه نقد و بررسی صرف و نحو، پژوهش‌های مختلفی انجام شده است. العزیزی (۲۰۰۳) در پایان‌نامه خود با نام *اثر استخدام الاشكال المنظم فی تدریس قواعد اللغة العربیة علی تنمية المفاهیم النحویة، والاتجاه نحو المادة لدی طلاب الصف الثالث المتوسط*، تأثیر به‌کارگیری شکل‌های منظم (سازماندهی‌شده) در رشد مفاهیم قواعد در دانش‌آموزان سال

سوم دبیرستان را مورد بررسی قرار داده است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش نشان داد به‌کارگیری شکل‌های منظم تأثیر بسزایی در رشد و توسعه مفاهیم قواعد دارد.

حسینی (۲۰۱۱) در مقاله «الجانب الوظيفی فی تدریس قواعد اللغة العربية للناطقین بغيرها: افکار و تطبیق»، به اهمیت بررسی قواعد براساس روش کاربردی برای متکلمان غیر عرب در سطح دانشگاهی پرداخته است. وی در این پژوهش مهارت‌های کاربردی مناسبی را برای آموزش قواعد در اختیار استادان و دانشجویان قرار داده است. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش نشان داد، بررسی قواعد زبان عربی با روش کاربردی بهترین و ساده‌ترین روش برای تشویق آن‌ها در درک مفاهیم قواعد است.

الکخن و لینا هنیة (۲۰۰۹) در مقاله «اثر استخدام الدراما التعليمية فی تدریس قواعد اللغة العربية فی تحصیل طالبات الصف العاشر الاساسی»، به تأثیر به‌کارگیری روش «نمایشنامه‌ای» در آموزش قواعد به دانش‌آموزان اول دبیرستان می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش نشان داد روش مذکور، به دلیل کاربردی‌تر کردن قواعد، نقش قابل توجهی در آموزش قواعد و بالا بردن سطح تحصیلی دانش‌آموزان دارد.

متقی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی و نقد میزان اجرای فنون تدریس متون شعری در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عربی»، به بررسی فنون تدریس متون شعری در دانشگاه‌های کشور پرداخته‌اند؛ مهم‌ترین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های سنتی آموزش زبان، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی آموزش زبان عربی به‌طور کلی و متون ادبی به‌طور خاص است.

پورجمشیدی و افضلی (۱۳۸۶) در مقاله «نقش فنون و فنون آموزشی در تدریس صرف و نحو عربی»، فرایند یادگیری را در سه سطح (به‌خاطر سپاری، ادراک و به‌کارگیری) تقسیم کرده‌اند و به این نتیجه رسیدند که هریک از این سطوح، مستلزم بهره‌گیری از فنون خاص خود است.

در مجموع، هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌صورت مستقیم به بررسی میزان اجرای روش و فنون تدریس قواعد در رشته زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌ها نپرداخته‌اند.

در مقاله حاضر تلاش کرده‌ایم با تکیه بر یک ادبیات نظری مبتنی بر نظریات متخصصان آموزش زبان عربی و نظریه‌پردازان غربی و با روش میدانی به بررسی آموزش قواعد عربی در دانشگاه‌های ایران بپردازیم.

۳. ادبیات نظری

۳-۱. قواعد و اهداف آن

یکی از ابزارهای مهم هر زبان که نقش مؤثری در نیکو کردن زبان خواندن و نوشتن دارد، قواعد (گرامر^۲) است. این قواعد در چگونگی درست ادا کردن سخن و اعراب گذاری کلمات نیز بسیار قابل توجه هستند (الحلاق، ۲۰۱۰: ۳۰۲: ۴: kramsc, 1996).

قواعد عربی رسالت‌های مهمی همچون تقویت زبان یادگیرنده و جلوگیری از بروز خطاهای کلامی و نوشتاری دارد (الرکابی، ۲۰۰۰: ۱۳۴). آموزش این قواعد نیز مانند دیگر رشته‌های زبان خارجی، از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر متفاوت است، به گونه‌ای که هدف از آموزش این قواعد در مقاطع بالاتر از ابتدایی و راهنمایی، شناخت دانش‌آموزان با ریشه‌ی زبان عربی و نامگذاری کلمات و جملات به مبتدا، خبر، جمله اسمیه، جمله فعلیه و غیره ... است (اسماعیل، ۲۰۱۱: ۱۹۱)؛ بنابراین ضروری است با به‌کارگیری روش‌ها و فنون مناسب تدریس، گامی مؤثر در جهت تحقق اهداف قواعد عربی برداریم.

۳-۲. روش‌های تدریس قواعد

روش در مقابل واژه لاتین «متد^۳» به کار رفته است. بنا بر تعریفی که در فرهنگ وبستر آمده است، به راه انجام دادن هر کاری روش می‌گویند. روش تدریس عبارت است از راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه تدریس (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۱۵). روش تدریس یک چارچوب کلی برای ارائه‌ی معلومات درسی است (بادی، ۱۴۰۶: ۸۶). متخصصان آموزش زبان عربی و نظریه‌پردازان غربی روش‌هایی را برای تدریس قواعد مطرح کرده‌اند که به‌کارگیری آن‌ها می‌تواند نقش بسزایی در به‌روزر کردن آموزش زبان عربی و تحقق اهداف آموزش قواعد در این رشته داشته باشد. مهم‌ترین این روش‌ها، روش‌های قیاسی، استقرایی و متن‌محوری هستند.

۳-۲-۱. روش قیاسی^۴

روش قیاسی با فرایند یادگیری آگاهانه مرتبط است؛ بدین معنا که آموزنده در آن به درست نوشتن فراگیر براساس قواعد زبان می‌پردازد. این روش بیشتر برای زبان‌آموزان بزرگسال به کار می‌رود (Widodo, 2006: 1).

در این روش، ابتدا معلم (استاد) قاعده هر درس را بدون به‌کارگیری مثال‌های واضح و مشخص توضیح می‌دهد، سپس با طرح مثال‌های روشن و مشخص به تبیین آن قاعده می‌پردازد و در پایان با ذکر مثال‌های متنوع، به فهم دانشجویان از قاعده تدریس شده عمق می‌دهد (أحمد، ۲۰۱۱: ۱۹۲).

۲-۲-۳. روش استقرایی^۵

در این روش، استاد ابتدا با ذکر مقدمه‌ای به طرح درس می‌پردازد، سپس دانشجویان را متوجه مثال‌های مختلف می‌کند و آن‌ها را به تعمق در آن‌ها و می‌دارد و در پایان ضمن سنجش فهم دانشجویان از مثال‌های مطرح شده، به تدریس قواعد موجود در آن مثال‌ها می‌پردازد و از دانشجویان می‌خواهد آنچه را از مثال‌ها استنباط کرده‌اند بیان کنند (قاسم عاشور و الحوامدة، ۲۰۰۹: ۲۶۶؛ اسماعیل، ۲۰۱۱: ۲۲۲).

۳-۲-۳. متن محوری^۶

در این روش قواعد نحوی از طریق قرائت یک قطعه ادبی یا متن ادبی تدریس می‌شود؛ بدین صورت که استاد آن را می‌خواند و سپس قواعد مورد نظر را از متن بیرون می‌کشد و شرح می‌دهد. اهمیت این روش به دلیل افزایش رغبت، عمق بخشیدن به یادگیری دانشجویان و کاربردی کردن آموزش قواعد است (النعمی، ۲۰۰۴: ۶۴-۶۵).

۳-۳. فنون تدریس قواعد

واژه فن که معادل «تکنیک»^۷ به کار رفته است، به معنی «راه به‌کارگیری مهارت‌های اساسی یا روش انجام دادن ماهرانه کاری» است (صفوی، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

عوامل متعددی همچون نوع یادگیری، زبان آموز، محتوا، محیط و شرایط در انتخاب فنون آموزشی دخیل هستند، اما به اعتقاد نظریه‌پردازان آموزشی نوع یادگیری نسبت به سایر عوامل بیشترین تأثیر را دارد (لشین^۸ و همکاران، ۱۳۷۴: ۱۴۸).

متخصصان آموزش زبان عربی و نظریه‌پردازان غربی فنونی را برای آموزش قواعد

مطرح کرده‌اند که استاد می‌تواند هریک از این فنون را در روش‌های ذکرشده به‌کار بگیرد. مهم‌ترین این فنون به ترتیب عبارت‌اند از:

۱-۳-۳. دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

در این فن استاد با طرح پرسش و پاسخ و با پیوند مباحث مطرح‌شده در دروس گذشته و درس فعلی، قواعد را توضیح می‌دهد (الرکابی، ۲۰۰۰: ۱۳۷). این فن، علاوه بر اینکه در میزان درک و فهم دانشجویان از مفهوم درس و پرورش قدرت تفکر و استدلال آنان نقش مؤثری دارد، به دانشجویان در مرور مطالبی که قبلاً آموخته‌اند کمک می‌کند. از اهداف مطرح‌شده برای این فن، افزایش قدرت تشخیص، تحریک تفکر، تقویت قدرت استدلال، سنجش و قضاوت، استفاده از دانسته‌های گذشته و ایجاد اعتماد به نفس در فراگیر است (شعبانی، ۱۳۸۷: ۲۶۴؛ جوام و شریفی، ۱۳۷۰: ۴۳). این فن باعث می‌شود دانشجو از حالت انفعالی بیرون بیاید و به فردی فعال که در عین گوش کردن به مطالب فکر می‌کند و کاربرد مطالب را به‌خوبی درک می‌کند، تبدیل شود (میلر^۹، ۱۳۸۰: ۱۷۷-۱۷۸).

۲-۳-۳. تدریس کاربردی

مهم‌ترین اصل در آموزش قواعد، بیان مثال‌های روشن و استنباط احکام کلی از آن‌ها است (الرکابی، ۲۰۰۰: ۱۳۵). معلم باید به آسان کردن آموزش قواعد به زبان آموزان و قانع کردن آن‌ها به اهمیت آموزش قواعد بیندیشد، سپس موضوع قواعد را به گونه‌ای برگزیند که شوق و انگیزه لازم برای یادگیری را در وجود آنان ایجاد کند (فلاح و الخیاض، ۱۹۹۶: ۲۵۵-۲۵۶). استاد با ارائه متن به دانشجویان و استخراج مثال‌های مناسب از آن، قاعده موردنظر را توضیح می‌دهد و درنهایت دانشجویان را به‌صورت کاربردی با قاعده مذکور آشنا می‌کند. این فن به دو نوع جزئی و کلی قابل طرح است؛ بدین ترتیب که در فن جزئی، استاد به صورت جزء جزء قواعد را با استفاده از متن مذکور شرح می‌دهد، ولی در فن کلی ابتدا استاد کل قواعد را توضیح می‌دهد و بعد به صورت کلی روی متن تبیین می‌کند (الرکابی، ۲۰۰۰: ۱۳۷-۱۴۰).

۳-۳-۳. تدریس مشارکتی

تعامل یا فنون مشارکت گروهی مستقیم در یادگیری معمولاً به‌عنوان فنی مؤثر شناخته

می‌شود و بیشتر از آن به‌عنوان فن «یادگیری از طریق انجام کار» یاد می‌کنند؛ بدین ترتیب که استاد می‌تواند از طریق مباحثه و سؤال کردن یا استفاده از سایر فنون مشارکتی دانشجویان را در مسیر آموزش قواعد شریک خویش کند (میلر، ۱۳۸۰: ۲۴۰).

در این فن دانشجویان در فعالیت‌های آموزشی فعالانه شرکت می‌کنند، مسئولیت یادگیری را به عهده می‌گیرند و در نهایت نظرات و عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان می‌گذارند (شعبانی، ۱۳۸۷: ۲۷۳-۲۷۴).

۳-۳-۴. تکنولوژی و تدریس قواعد

ناگفته پیداست که بیشتر فنون تدریس دانشگاهی می‌توانند به‌عنوان فنون تدریس سنتی توصیف شوند، به گونه‌ای که گروه‌های دانشجویی در اندازه‌های گوناگون برای یک دوره آموزشی در خدمت یک استاد هستند. در حالی که نمی‌خواهیم تدریس سنتی را در کلیت آن حفظ کنیم، ولی روشن است که در فنون نوین تدریس نیز همچون رهیافت‌های جدید به یادگیری، نیاز مستمری به بهره‌گیری از امور بنیادینی مثل پروژکتور، اورهد و تهیه منابع نوشتاری به دقت تنظیم‌شده، وجود دارد (کنن^{۱۱} و نیوبل^{۱۲}، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۳۸).

نقش وسایل آموزشی، بیشتر چگونگی انتقال مفاهیم به شاگردان است. اگر چه انتخاب متن و محتوای آموزشی بسیار مهم است، اما انتقال بهتر و مؤثر مفاهیم نیز از مسائلی است که باید مورد توجه قرار گیرد (شعبانی، ۱۳۸۷: ۱۸۹). روگرث^{۱۳} معتقد است که وسایل آموزشی مناسب در انتقال، تفهیم و تأثیر مفاهیم نقش مؤثری دارند. در این زمینه استفاده از وسایل نوین کامپیوتری مانند اسلایدها، اورهد و پروژکتور توصیه می‌شود، زیرا این ابزار به نوشتن زبان‌آموز کمک می‌کند و هنگامی که زبان‌آموز در کاربردی کردن قواعد روی متن از آن‌ها استفاده می‌کند، یادگیری با دقت و عمق بیشتری همراه می‌شود (Rogers, 1999, 4087-4088).

۴. توصیف داده‌های پژوهش

۴-۱. توصیف داده‌های مربوط به روش‌های تدریس از نظر دانشجویان و استادان

۴-۱-۱. متغیر اول: «استفاده از روش قیاسی»

داده‌های این بخش نشان داد که ۷۶/۲ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۱۸/۸ درصد در سطح

متوسط و ۰/۵ درصد در سطح پایین معتقدند که استادان آن‌ها از روش قیاسی استفاده کرده‌اند. در مقابل، داده‌های به‌دست‌آمده از استادان نشان داد که ۶۳/۶ درصد از استادان در سطح بالا، ۱۸/۲ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۲ درصد در سطح پایین معتقدند که از روش قیاسی استفاده کرده‌اند.

۴-۱-۲. متغیر دوم: «استفاده از روش استقرایی»

داده‌های به‌دست‌آمده از این بخش نشان داد که ۳۶/۳ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۵۵ درصد سطح متوسط و ۸/۷ درصد در سطح پایین معتقدند که استادان آن‌ها از روش استقرایی استفاده کرده‌اند.

در مقابل، داده‌های به‌دست‌آمده از استادان نشان داد که ۲۷/۳ درصد از استادان در سطح بالا، ۵۴/۵ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۲ درصد در سطح پایین معتقدند که از روش استقرایی استفاده کرده‌اند.

۴-۱-۳. متغیر سوم: «استفاده از روش متن‌محوری»

داده‌های به‌دست‌آمده از این بخش نشان داد که ۰/۵ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۳۱/۲ درصد در سطح متوسط و ۶۳/۸ درصد در سطح پایین معتقدند که استادان آن‌ها از روش متن‌محوری استفاده کرده‌اند.

در مقابل، داده‌های به‌دست‌آمده از استادان نشان داد که ۱۸/۲ درصد از استادان در سطح بالا، ۲۷/۳ درصد در سطح متوسط و ۵۴/۵ درصد در سطح پایین معتقدند که از متن‌محوری استفاده کرده‌اند.

۵. توصیف داده‌های مربوط به فنون تدریس

۵-۱. توصیف داده‌های دانشجویان

۵-۱-۱. متغیر اول: «فن دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای»

گفتارهای مربوط به این فن عبارت‌اند از:

۱. میزان دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای در ارتباط با قواعد جدید و گذشته؛
۲. میزان اهمیت دادن استادان به پیش‌مطالعه و آمادگی برای حضور در کلاس.



پاسخگویی دانشجویان به این متغیر نشان داد که ۳۸/۱۵ درصد در سطح بالا، ۳۶/۲۵ درصد در سطح متوسط و ۲۵/۶۵ درصد در سطح پایین معتقد بودند که استادان اطلاعات پیش‌زمینه‌ای در مورد مباحث هر درس در اختیار آنان قرار داده‌اند.

جدول ۱ میزان استفاده از فن دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

بالا		متوسط		پایین		کل	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۲۸/۱۵	۲۰	۳۶/۲۵	۲۹	۲۵/۶۵	۲۱	۸۰	۱۰۰

۲-۱-۵. متغیر دوم: «فن تدریس کاربردی»

گفتارهای مربوط به این فن عبارت‌اند از:

۱. میزان اهمیت دادن استادان به طرح قواعد روی موضوعات روز، مثل روزنامه‌ها و متون؛
 ۲. میزان اهمیت دادن استادان در تدریس قواعد با تأکید بر تمارین زیاد؛
 ۳. میزان استفاده استادان از مثال‌های متنوع و جذاب؛
 ۴. میزان توجه استادان در بیان محتوای درس براساس علاقه دانشجویان.
- داده‌های به‌دست‌آمده از مجموع این چهار سؤال نشان داد که ۱۱/۹۰ درصد در سطح بالا، ۳۲/۸ درصد در سطح متوسط و ۵۵/۳ درصد در سطح پایین معتقد بودند که استادان آن‌ها این فن را اجرا کرده‌اند.

جدول ۲ میزان استفاده از فن تدریس کاربردی

بالا		متوسط		پایین		کل	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۱/۹۰	۱۰	۳۲/۸	۲۶	۵۵/۳	۴۴	۸۰	۱۰۰

۳-۱-۵. متغیر سوم: «استفاده از فن تدریس مشارکتی»

گفتارهای مربوط به این فن عبارت‌اند از:

۱. میزان استفاده استادان از پرسش و پاسخ در تبیین قواعد؛
 ۲. میزان توجه استادان به تکالیف و تمرین‌های خارج از کلاس.
- پاسخگویی دانشجویان به این متغیر نشان داد که ۱۶/۳ درصد در سطح بالا، ۳۹/۴ درصد در سطح متوسط و ۴۴/۳ درصد در سطح پایین معتقد بودند که استادان آن‌ها این فن را اجرا کرده‌اند.

جدول ۳ استفاده از فن تدریس مشارکتی

کل		پایین		متوسط		بالا	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۰۰	۸۰	۴۴/۳	۳۵	۳۹/۴	۳۲	۱۶/۳	۱۳

- ۴-۵. متغیر چهارم: « فن استفاده از تکنولوژی در تدریس »
- گفتار مربوط به این فن عبارت است از: میزان استفاده استادان از وسایل نوین آموزشی (اسلاید، پاورپوینت و...).
- براساس نظر دانشجویان، ۵ درصد در سطح بالا، ۱۸/۸ درصد در سطح متوسط و ۷۶/۲ درصد در سطح پایین، معتقدند که استادان آن‌ها از فنون مناسب تدریس برای استفاده از تکنولوژی در تدریس قواعد استفاده کرده‌اند.

جدول ۴ فن استفاده از تکنولوژی در تدریس قواعد

کل		پایین		متوسط		بالا	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۰۰	۸۰	۷۶/۲	۶۱	۱۸/۸	۱۵	۵	۴

- ۲-۵. توصیف داده‌های مربوط به فنون تدریس از نظر استادان
- چهار متغیر مطرح شده و گفتارهای پرسشنامه دانشجویان، برای استادان نیز در نظر گرفته شد که نتایج توصیف داده‌های استادان به شرح زیر است:



۵-۲-۱. متغیر اول: «دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای»

مجموع داده‌های استادان نشان داد که ۶۸/۲ درصد از آن‌ها در سطح بالا، ۱۳/۶ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۲ درصد در سطح پایین، بر استفاده از این فن معتقد بودند.

جدول ۵ میزان استفاده از فن دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای

کل		پایین		متوسط		بالا	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۰۰	۱۱	۱۸/۲	۲	۱۳/۶۵	۲	۶۸/۲	۷

۵-۲-۲. متغیر دوم: «فن تدریس کاربردی»

نتایج این بخش نشان داد که، ۵۲/۳ درصد از استادان در سطح بالا، ۳۱/۸۵ درصد در سطح متوسط و ۱۵/۹۲ درصد در سطح پایین، معتقد به اجرای این فن بوده‌اند.

جدول ۶ میزان استفاده از فن تدریس کاربردی

کل		پایین		متوسط		بالا	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۰۰	۱۱	۱۵/۹۲	۲	۳۱/۸۵	۳	۵۲/۳	۶

۵-۲-۳. متغیر سوم: «فن تدریس مشارکتی»

با توجه به نتایج این بخش، ۵۴/۵۵ درصد از استادان در سطح بالا، ۳۱/۸۵ درصد در سطح متوسط و ۱۳/۶۵ درصد در سطح پایین، معتقدند که از این فن استفاده کرده‌اند.

جدول ۷ میزان استفاده از فن تدریس مشارکتی

کل		پایین		متوسط		بالا	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۰۰	۱۱	۱۳/۶۵	۲	۳۱/۸۵	۳	۵۴/۵۵	۶

۴-۵. متغیر چهارم: «فن استفاده از تکنولوژی در تدریس»

با توجه به نتایج این بخش، ۲۷/۳ درصد از استادان در سطح بالا، ۵۴/۵ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۲ درصد در سطح پایین، معتقدند که از این فن استفاده کرده‌اند.

جدول ۸ میزان استفاده از فن تکنولوژی در تدریس

کل		پایین		متوسط		بالا	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۱۰۰	۱۱	۱۸/۲	۲	۵۴/۵	۶	۲۷/۳	۳

۶. تحلیل داده‌های پژوهش

۶-۱. تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از دانشجویان و استادان در بخش روش تدریس

با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده در روش‌های تدریس مشخص شد که هم از نظر دانشجویان و هم از نظر استادان، روش قیاسی، روش استقرایی و روش متن‌محوری در حد بالایی اجرا شده‌اند. بنابراین نتایج با هم اشتراک زیادی دارند؛ هرچند اختلاف جزئی نیز وجود دارد.

۶-۲. تحلیل داده‌های به دست آمده از دانشجویان و استادان در بخش فنون تدریس

۶-۲-۱. متغیر اول: «فن دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای»

در توصیف داده‌های مربوط به این متغیر ثابت شد که (۳۸/۱۵ درصد دانشجویان در سطح بالا، ۳۶/۲۵ درصد در سطح متوسط و ۲۵/۶۵ درصد در سطح پایین معتقد بودند که استادان آن‌ها اطلاعات پیش‌زمینه‌ای در مورد مباحث هر درس را در اختیار آنان قرار داده‌اند. مجموع داده‌های استادان نیز نشان داد که ۶۸/۲ درصد از آن‌ها در سطح بالا، ۱۳/۶۵ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۲ درصد در سطح پایین، به استفاده از این فن معتقد بودند. این امر نشان می‌دهد که این فن، از نظر بیشتر استادان و تقریباً بیشتر دانشجویان اجرا می‌شود؛ بدین معنی که استادان از طرفی به دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای در مورد درس جدید و مباحث گذشته می‌پردازند و از طرف دیگر دانشجویان را به پیش‌مطالعه و آمادگی برای حضور در کلاس ترغیب می‌کنند.

شاید مهم‌ترین دلیل اجرای این فن این باشد که دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای یکی از ارکان

اساسی فرآیند آموزش قواعد است، زیرا ذهن دانشجو را برای یادگیری قواعد جدید آماده می‌کند و قدرتش را در یادگیری افزایش می‌دهد.

۲-۶. متغیر دوم: «کاربردی کردن قواعد»

با توجه به توصیف داده‌های دو گروه دانشجویان و استادان در مورد این متغیر مشخص شد که ۱۱/۹۰ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۳۲/۸ درصد در سطح متوسط و ۵۵/۳ درصد در سطح پایین به اجرای این فن توسط استادان خویش معتقد بوده‌اند. در مقابل، ۵۲/۳ درصد استادان در سطح بالا، ۳۱/۸۵ درصد در سطح متوسط و ۱۵/۹۲ درصد در سطح پایین، به اجرای این فن معتقد بوده‌اند.

مشخص شد که بیشتر دانشجویان به عدم اجرا و بیشتر استادان به اجرای این فن معتقد بودند. اختلاف نظر دو گروه می‌تواند ناشی از دو فرضیه باشد که در زیر شرح می‌دهیم: فرضیه اول را در اجرای ضعیف استادان می‌توان جست‌وجو کرد؛ بدین معنا که ممکن است استادان، تمامی فنون مؤثر تدریس را به کار برده باشند، ولی در انتخاب اجرای فن دقت نکرده باشند؛ مثلاً اگر استاد در اجرای این فن، متن متناسب با آن قواعد را انتخاب نکند یا متن انتخابی مشکل و محتوای آن بر حسب اولویت‌بندی از ساده به دشوار ترتیب داده نشده باشد، فن کاربردی کردن قواعد به خوبی محقق نخواهد شد. فرضیه دوم را در کتاب‌های درسی که برای تدریس قواعد انتخاب شده‌اند می‌توان بررسی کرد، زیرا بیشتر استادان برای این درس کتابی مثل *مبادی العربیة* را در نظر می‌گیرند که در آن از متون ادبی برای تدریس قواعد بهره گرفته نشده است و فقط به توضیح قواعد پرداخته شده است. از طرفی دیگر در این کتاب تمرین‌هایی وجود دارد که تکراری و دشوار هستند. شایسته است استادان محترم ضمن تدارک کتابی مناسب و با خلاقیتی منحصر به فرد این ضعف‌ها را برطرف کنند.

۳-۲-۶. متغیر سوم: «استفاده از فنون مشارکتی»

توصیف داده‌های دو گروه دانشجویان و استادان در مورد این متغیر نشان داد که ۱۶/۳ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۳۹/۴ درصد در سطح پایین و ۴۴/۳ درصد در سطح متوسط به اجرای

این فن توسط استادان خویش معتقد بوده‌اند، در حالی که ۵۴/۵۵ درصد استادان در سطح بالا، ۳۱/۸۵ درصد در سطح متوسط و ۱۳/۶۵ درصد در سطح پایین، به اجرای این فن معتقد بوده‌اند؛ لذا ناگفته پیداست که از نظر درصد قابل توجه دانشجویان، توجه استادان به این فن کم بوده، ولی از نظر خود استادان توجه آن‌ها به این فن در حد بالایی بوده است.

این اختلاف می‌تواند ناشی از فرضیه زیر باشد:

توجه به شخصیت استاد در اجرای این فن بسیار ضروری است، زیرا برخی از استادان اولاً از قدرت بردباری در تدریس و قدرت سازماندهی مطالب برخوردار نیستند، ثانیاً برنامه‌ریزی دقیق و منسجم ندارند و ثالثاً روحیه شرکت در کارهای گروهی و قدرت فراهم‌آوری زمینه‌های مشترک را ندارند؛ از این رو استادی که فاقد چنین صفاتی است، بدون شک نمی‌تواند این فن را به‌خوبی اجرا کند، هرچند برای اجرای این فن بکوشد.

۴-۲-۶. متغیر چهارم: «استفاده از تکنولوژی در تدریس قواعد»

توصیف داده‌های این متغیر نشان داد که ۰/۵ درصد از دانشجویان در سطح بالا، ۱۸/۸ درصد در سطح متوسط و ۷۶/۲ درصد در سطح پایین به اجرای این فن، یعنی به‌کارگیری تکنولوژی در تدریس قواعد توسط استادان خویش معتقد بوده‌اند. با توجه به نتایج این بخش، ۲۷/۳ درصد استادان در سطح بالا، ۵۴/۵ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۲ درصد در سطح پایین، به اجرای این فن معتقد بوده‌اند.

شاید بتوان این اختلاف نظر را در دو فرضیه زیر جست‌وجو کرد:

فرضیه اول: استادان هنوز از روش‌های سنتی تدریس استفاده می‌کنند و آن‌طور که شایسته است این فن را در تدریس قواعد به‌کار نمی‌برند.

فرضیه دوم: ممکن است دانشگاه‌ها به وسایل کمک آموزشی جدید همچون ویدئو پروژکتورها مجهز نباشند که در این صورت استادان نمی‌توانند از این وسایل به‌خوبی بهره‌مند شوند؛ این درحالی است که بیشتر کشورهای پیشرفته جهان برای تدریس در حوزه‌های مختلف از تکنولوژی‌های جدید استفاده می‌کنند.

۷. نتایج پژوهش

۷-۱. بررسی فرضیه اول پژوهش

ضمن بررسی داده‌های مربوط به متغیرهای میزان اجرای روش‌های تدریس قواعد، نتایجی به دست آمد که نشان می‌دهد بیشتر دانشجویان به اجرای روش قیاسی در سطح بالا، روش استقرایی در سطح متوسط و روش متن‌محوری در سطح پایین معتقد بودند؛ بنابراین بخشی از فرضیه اول مبنی بر اینکه از نظر دانشجویان روش قیاسی در سطح بالا و روش متن‌محوری در سطح پایین اجرا می‌شود اثبات شد، ولی بخش دیگر مبنی بر اجرای سطح پایین روش استقرایی، رد شد.

همچنین نتایج نشان داد که بیشتر استادان خود را مجری هر سه روش تدریس می‌دانند، هرچند برخی از نتایج نشان‌دهنده اجرای روش استقرایی در حد متوسط بود؛ بنابراین بخش دوم این فرضیه مبنی بر اجرای حد بالای این سه روش پذیرفته شد.

۷-۲. بررسی فرضیه دوم پژوهش

نتایج بررسی متغیرهای مربوط به میزان اجرای فنون تدریس قواعد از نظر دانشجویان، نشان داد که دانشجویان به اجرای سطح بالای فن دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای و اجرای سطح پایین فنون تدریس کاربردی، مشارکتی و بهره‌گیری از تکنولوژی معتقد بودند، بنابراین بخشی از فرضیه اول مبنی بر اجرای سطح بالای فنون تدریس کاربردی، مشارکتی و بهره‌گیری از تکنولوژی رد شد و تنها بخشی که مربوط به اجرای سطح بالای دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای بود اثبات شد.

۷-۳. بررسی فرضیه سوم پژوهش

نتایج به دست آمده از بررسی متغیرهای مربوط به میزان اجرای فنون تدریس قواعد از نظر استادان نشان داد که بیشتر استادان در سطح بسیار بالایی خود را مجری فنون تدریس دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای، کاربردی کردن و تدریس مشارکتی و به‌کارگیری از تکنولوژی دانستند؛ بنابراین بخش عمده این فرضیه مبنی بر اجرای فنون تدریس دادن اطلاعات پیش‌زمینه‌ای، مشارکتی و کاربردی اثبات شد و فقط جزئی از این فرضیه مبنی بر عدم

بهره‌گیری از تکنولوژی در تدریس قواعد تأیید نشد.

واضح است که میان نظرات دانشجویان و استادان در مورد اجرای فنون تدریس کاربردی کردن، مشارکتی و بهره‌گیری از تکنولوژی اختلاف وجود دارد. شاید بتوان مهم‌ترین دلیل برای این اختلاف نظر را اجرای ضعیف استادان و دید سنتی به این سه فن دانست؛ به گونه‌ای که ممکن است استادان برای کاربردی کردن تدریس قواعد از موضوعات روز همچون روزنامه‌ها، متون عربی جذاب یا مثال‌های متنوع استفاده نمی‌کنند و در عوض متونی را به کار می‌گیرند که بسیار دشوار هستند. همچنین ممکن است استادان برای تدریس قواعد یا اصلاً از تکنولوژی استفاده نمی‌کنند و یا اگر استفاده کنند، با فراهم آوردن اسلایدهای فراوان و خسته‌کننده دانشجویان را نسبت به یادگیری قواعد کم انگیزه کنند.

۸. راهکارها

- مهم‌ترین مشکلی که آموزش قواعد در ایران از آن رنج می‌برد فقدان کتابی مناسب در این زمینه است؛ بنابراین تألیف کتابی که در آن قواعد را همراه با متون استاندارد و به‌ویژه متون ادبی توضیح دهد، بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

- تقسیم‌بندی فرآیند آموزش قواعد به مراحل مختلف می‌تواند نقش مؤثری در تسهیل آموزش قواعد و بازدهی بیشتر داشته باشد؛ به گونه‌ای که می‌توان با گنجاندن هر مرحله در مراحل دیگر و با حفظ ترتیب و اولویت‌بندی آن‌ها از آسان به مشکل، مشکلات تدریس قواعد را تا حد بسیار زیادی حل کرد.

- کتاب‌های آموزش قواعد زبان عربی در ایران برخلاف آموزش زبان‌های خارجی دیگر مثل زبان انگلیسی، بدون سی دی صوتی و تصویری تهیه شده‌اند؛ لذا ضروری است کتاب‌های موردنظر برای تدریس قواعد عربی همراه با سی‌دی‌های کمک آموزشی توزیع شوند.

۹. پی‌نوشت‌ها

1. Likert
2. grammar
3. method

۴. الطريقة القیاسية (Deductive Approach)



۵. الطريقة الاستنباطية

۶. طريقة النص الأدبی أو الطريقة المعدلة

7. technic
8. Lshyn
9. Miller
10. Cannon
11. Newble
12. Rogers

۱۰. منابع

- أحمد، محمد عبدالقادر. (۲۰۱۱). *طرق تعليم اللغة العربية*. القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
- Ahmad, M. (2011). *Methods of Teaching Arabic Language*: Aghaherat: Alnehzaat Almesria [In Arabic].
- اسماعیل، زکریا. (۲۰۱۱). *طرق التدريس اللغة العربية*. الاسكندرية- جمهورية مصر العربية: دار المعرفة الجامعية.
- Esmail, Z. (2011). *Methods of Teaching Arabic Language*. Egypt: Almaarefatel Aljameia [In Arabic].
- بادى، غسان خالد. (۱۴۰۶). *تحديد معنى طريقة التدريس فى إطار علمى متجدد، بحوث تربوية ونفسية*. مكة المكرمة: جامعة أم القرى. معهد اللغة العربية. وحدة البحوث و المناهج.
- Badi, Gh. (1900). *Determining the Meaning of Methodology in New Scientific Framework, Psychological and Educational Research*. Mecca: Arabic Language Investigations Center [In Arabic].
- جوام، محمد حسين و حسن پاشا شريفى. (۱۳۷۰). *فنون و مهارت های تدريس*. ايران: شركت چاپ و نشر.
- Javam, M & H. Sharifi. (1991). *Techniques and Methods of Teaching*. Iran: Sherkate Chap va Nasr [In Persian].
- الحلاق، على سامى. (۲۰۱۰). *المرجع فى تدريس مهارات اللغة العربية و علومها*. لبنان: المؤسسة الحديثة للكتاب.
- Alhalagh, A.(2010). *Techniques Methodology of Skills and Science of Arabic*

Language. Beirut: Almoasesa Alhadisa Alketab [In Arabic].

- الركابی، جودت. (۲۰۰۰). *طرق تدريس اللغة العربية*. ط ۲. دمشق: دارالفکر.
Alrekabi, J. (2000). *Teaching Methodology of Arabic Language*. (Second Edition). Damascus: Daralfekr [In Arabic].
- شعبانی، حسن. (۱۳۸۷). *مهارت‌های آموزشی و پرورشی (روش‌ها و فنون تدریس)*. ج ۱، چ ۲۲. تهران: سمت.
Shaabani, H. (2008). *Education Skills (Methodologies and Techniques of Teaching)*. Tehran: Samt [In Persian].
- صفوی، امان‌الله. (۱۳۹۰). *روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس*. چ ۱. تهران: سمت.
Safavi, A. (2011). *Methodologies and Techniques of Teaching*. Tehran: Samt [In Persian].
- عبدالأمیر، طبایخه. (۲۰۰۷). *منهجية البحث تقنيات و مناهج*. الطبعة الأولى. بیروت: دارالهادی.
Abdolamir, T. (2007). *Technology and Methodology of Research*. Beirut: Daralhadi [In Arabic].
- فلاح، عبدالحمید و عبدالله الخیابص. (۱۹۹۶). *أساليب تدريس اللغة العربية*. نابلس: منشورات جامعة القدس المفتوحة.
Falah, A & A. Alkhabas. (1996). *Methodology of Teaching Arabic Language*. Nablos: Alghods-al-Maftooha University Publications [In Arabic].
- قاسم عاشوراء، راتب و الحوامدة، محمد فؤاد. (۲۰۰۹). *فنون اللغة العربية و أساليب تدريسها بين النظرية و التطبيق*. الطبعة الأولى. عمان: عالم الكتب الحديث.
Ashora, Gh.; R. Alhavamada & M. Foad. (2009). *Theoretical and Practical Methodologies of Teaching Arabic Language*. Oman: Alam Al-Kotob-al Hadis [In Arabic].
- کنن، رابرت و دیوید نیوبل. (۱۳۸۵). *راهنمای بهبود روش‌های تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی*. ترجمه احمدرضا نصر، حسین زارع و محمد پاکسرشت. تهران: دانشگاه اصفهان و سازمان سمت.
Kenen, R D. & Newbell. (2006). *A Guide for Improving Methodology at*



Universities and Educational Centers. (Translated by Ahmadreza Nasr, Hossein Zare and Mohammad Pakseresht). Tehran: Esfahan University and Samt Publications [In Persian].

- لشین، سینتیا بی؛ جولین پولاک و چارلز ام رایگلوث. (۱۳۷۴). *راهبردها و فنون طراحی آموزشی*. ترجمه هاشم فردانش. تهران: سمت.
Leshin, S.; J. Polak & Ch. Raigloth. (1995). *Techniques and Methods of Educational Designing*. (Translated by Hashem Fardanesh). Tehran: Samt Publications [In Persian].
- میلر، ماری و دبلیو آر میلر. (۱۳۸۰). *راهنمای تدریس در دانشگاه‌ها*. ترجمه ویدا میری. چ ۱. تهران: سمت.
Miller, M & W. Miller. (2001). *A Guide to Teaching at Universities*. (Translated by Vida Miri). Tehran: Samt Publications [In Persian].
- النعیمی، علی. (۲۰۰۴). *الشمائل فی تدریس اللغة العربیة*. عمان: دار أسامة للنشر و التوزیع.
Al-Naaimi, A. (2004). *Methodology of Arabic Teaching*. Oman: Asama [In Arabic].
- Kramsch, C. (1996). *Proficiency Plus: The Next Step*. Washington: ERIC Clearinghouse on Languages and Linguistics
- Rogers, E.M. (1999). "An investion if the effects of collaborative". *Computer-Mediated Communication and Non-Collaborative Assisted Writing Skills Practice Computer on L 2 Writing*. Diss. Abst. Inter. (A), Vol. 59, No.11.
- Widodo, P, H. (2006). "Approaches and procedures for teaching grammar". *English Teaching: Practice and Critique*, 5. PP. 122-141